

الله الرحمن الرحيم



دانشگاه باقر العلوم
اصول دینی - فلسفه اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته کلام و فلسفه اسلامی

دانشگاه باقر العلوم

عنوان پایان نامه

روش تفسیری عرفانی عارف محقق صدرالدین قونوی

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر یدالله یزدان پناه

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد واعظی

توجه: اطلاعات در این مورد
توسط مرکز علمی بزرگ

نگارش

۱۳۸۸ / ۴ / ۶

جواد جعفریان

۱۳۸۸

۱۱۵۴۴۵


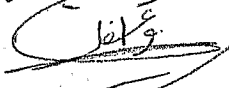

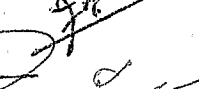
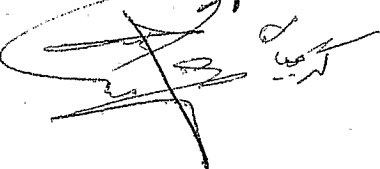
صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای جواد جعفریان دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی با عنوان: روش تفسیری عرفانی عارف محقق صدرالدین قونوی با حضور هیأت داوران دانشگاه باقر العلوم (ع) در تاریخ ۸۷/۶/۲۱ برگزار گردید. نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد.

○ غیر قابل قبول

○ قبول با امتیاز عالی

نمره ۱۹

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر سید ید الله یزدان پناه		
۲- استاد مشاور (۱)	دکتر احمد واعظی		
۳- استاد مشاور (۲)			
۴- استاد داور	دکتر علیرضا قائمی نیا		
۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر محمد مهدی گرجیان		

احمد احسانی
مدیر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی
امضاء

مصطفی سلیمانی
کارشناس امور پایان نامه ها
امضاء

ماده ۲۰: پایان نامه توسط هیأت داوران در پنج درجه ارزشیابی شده و به هر درجه نمره ای تعلق می گیرد.

۱- نمره ۱۸ الی ۲۰	عالی
۲- نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹	بسیار خوب
۳- نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹	خوب
۴- نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹	قابل قبول
۵- نمره از ۱۲ کمتر	غیر قابل قبول

محاسبه میانگین ارزشیابی هیأت داوران توسط نماینده شورای تحصیلات تکمیلی انجام می گیرد.

تقدیم به

پدر، مادر و همسر عزیز و مهربانم که با همه مشکلات و سختی‌های زندگی ساختند و چونان شمعی سوختند تا من به تحصیل پردازم.

تشکر

بر خود لازم می‌دانم به مصداق حدیث شریف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از کلیه عزیزان و سرورانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مرایاری و مساعدت فرمودند خصوصا استاد ارجمندم «جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر یدالله یزدان‌پناه» که با راهنمایی‌های ارزنده و مشفقانه خویش چراغ راهم بودند و زحمات بسیاری در این جهت متقبل شدند،

و همچنین از استاد بزرگوار «جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد واعظی» که مشاوره این اثر را برعهده داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

چکیده

عارف سترگ جناب صدرالدین قونوی از برجسته‌ترین افراد مؤثر در مباحث عرفان نظری و مهم‌ترین شارح مبانی شیخ اکبر است. وی با قلم توانای خود علاوه بر مباحث عرفان نظری، نگاهی نیز به تطبیق این مبانی در شرح احادیث و آیات شریفه قرآن به خصوص سوره حمد داشته که از آن به عنوان تفسیر باطنی یا تاویل نام می‌بریم. تفسیر باطنی یا تاویل در واقع حاصل تلاشی است که عارفان به موازات شناخت چینش نظام هستی (کتاب تکوین)، در فهم بطون هفت‌گانه متون دینی به خصوص قرآن مجید (کتاب تشریح) انجام داده‌اند.

در این مسیر، جناب صدرالدین تلاش کردند، علاوه بر بهره‌گیری از مباحث عرفان نظری و کشفیات خود، به برخی از روش‌ها و مبانی آن‌ها اشاره کنند تا راه رسیدن به معارف و اصول دین از مسیری غیر از کشف نیز هموار شود. از این روش‌ها تعبیر به روش‌های فنی - عمومی شد.

این روش‌ها عبارتند از: روش طولی، روش عرضی و روش جری و تطبیق که در این رساله به تعریف و مبانی آن‌ها اشاره شده است. منظور از روش طولی زدودن و پیرایش زبان عرفی و رسیدن به روح معناست. در روش عرضی جمیع معانی محتمل یک لفظ، پذیرفته می‌شود. معنای موافق با سیاق تفسیر آیه و بقیه معانی نوعی تاویل به شمار می‌روند که از آن به تاویل عرضی نام می‌بریم. در جری و تطبیق نیز حکم از فردی بر فرد دیگر تطبیق داده می‌شود.

روش‌های فوق دارای مبانی مشترکی - نظیر امکان فهم معانی باطنی قرآن و حدیث، بطون داشتن کتاب تکوین، کتاب تشریح و حقیقت انسانی - و مبانی مختصی - نظیر «وضع الفاظ برای روح معنا» در تاویل طولی و جری و تطبیقی و «استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد» در تاویل عرضی - هستند. در پایان نیز به نقش کشف و شهود در فهم متون دینی و نقش آن در روش فنی عمومی اشاره شده است.

فهرست مطالب

- فصل اول: کلیات ۱
- ۱-۱. بیان مسأله ۲
- ۱-۲. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن ۳
- ۱-۳. سابقه پژوهش ۳
- ۱-۴. سوال اصلی پژوهش ۳
- ۱-۵. فرضیه‌های پژوهش ۴
- ۱-۶. سوالات فرعی پژوهش ۴
- ۱-۷. پیش فرض های پژوهش ۵
- ۱-۸. اهداف پژوهش ۵
- ۱-۹. واژه شناسی ۵
- ۱-۹-۱. واژه شناسی تفسیر ۵
- ۱-۹-۱-۱. تفسیر در لغت ۵
- ۱-۹-۱-۲. تفسیر در قرآن ۷
- ۱-۹-۱-۳. تفسیر در اصطلاح ۸

- ۱۱ ۲-۹-۱ . تاویل در لغت و اصطلاح
- ۱۱ ۱-۲-۹-۱ . واژه شناسی تاویل
- ۱۶ ۲-۲-۹-۱ . تاویل در قرآن و حدیث
- ۱۸ ۳-۲-۹-۱ . تاویل در اصطلاح اهل معرفت
- ۲۳ ۳-۹-۱ . رابطه تاویل با تفسیر
- ۲۶ ۴-۹-۱ . چیستی روش تفسیری
- ۲۸ ۱۰-۱ . زندگی نامه ، اهمیت و جایگاه قونوی
- ۲۸ ۱-۱-۱ . زندگی نامه
- ۲۹ ۲-۱۰-۱ . اهمیت قونوی
- ۳۳ ۳-۱۰-۱ . شرح آیات و احادیث
- ۳۴ ۴-۱۰-۱ . شاگردان
- ۳۴ ۵-۱۰-۱ . آثار
- ۴۰ فصل دوم : روش ها و شیوه های تفسیری
- ۴۱ ۱-۲ . مقدمه
- ۴۱ ۲-۲ . تفاوت روش تفسیری با مکاتب و مذاهب تفسیری
- ۴۴ ۳-۲ . شیوه های تفسیری
- ۴۵ ۱-۳-۲ . تفسیر به مأثور
- ۵۰ ۲-۳-۲ . تفسیر قرآن به عقل
- ۵۲ ۳-۳-۲ . تفسیر قرآن به روش شهودی و کشفی
- ۵۲ ۴-۲ . مکاتب تفسیری و مساله تاویل
- ۵۲ ۱-۴-۲ . مقدمه

- ۵۳ ۲- ۴- ۲ . مکتب تفسیری روایی محض
- ۵۵ ۲- ۴- ۳ . مکتب متکلمین و فلاسفه
- ۵۸ ۲- ۴- ۱ . مکتب اهل عرفان
- ۶۳ فصل سوم: روش تفسیری قونوی و ضوابط آن
- ۶۴ ۳- ۱ . مقدمه
- ۶۷ ۳- ۲ . تفسیر و تاویل از نظر قونوی
- ۷۵ ۳- ۳ . منابع تفسیری قونوی
- ۷۵ ۳- ۳- ۱ . قرآن
- ۷۸ ۳- ۳- ۲ . احادیث پیامبر اکرم
- ۸۰ ۳- ۳- ۳ . کشفیات و تجربیات عارف
- ۸۲ ۳- ۳- ۲- ۱ . مدرکات عرفان نظری
- ۸۴ ۳- ۴ . مبانی تفسیری وی
- ۸۴ ۳- ۴- ۱ . مبانی هستی شناختی
- ۸۷ ۳- ۴- ۱- ۱ . ظاهر و باطن جهان هستی
- ۹۲ ۳- ۴- ۱- ۲ . ظهر و بطن داشتن کلام الهی
- ۹۷ ۳- ۴- ۱- ۳ . ذو بطون بودن انسان
- ۹۹ ۳- ۴- ۱- ۴ . تطابق عالم هستی، قرآن و انسان
- ۱۰۴ ۳- ۴- ۲ . مبانی معرفت شناسی
- ۱۰۶ ۳- ۴- ۲- ۱ . امکان فهم معانی بطونی
- ۱۱۱ ۳- ۴- ۲- ۲ . تفاوت درجات فهم انسان ها
- ۱۱۲ ۳- ۴- ۳ . مبانی زبان شناختی

- ۱۱۳..... ۱- ۳- ۴- ۳. وضع الفاظ برای معانی عام.....
- ۱۲۱..... ۲- ۳- ۴- ۳. استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد.....
- ۱۲۶..... ۵- ۳. انواع تاویل.....
- ۱۲۶..... ۱- ۵- ۳. تاویل طولی.....
- ۱۳۲..... ۲- ۵- ۳. تاویل عرضی.....
- ۱۳۸..... ۳- ۵- ۳. تاویل به معنای جری و تطبیق.....
- ۱۳۹..... ۱- ۳- ۵- ۳. انواع جری و تطبیق.....
- ۱۴۲..... ۴- ۵- ۳. تاویل احکام.....
- ۱۴۵..... ۵- ۳. نقش شهود و کشف در فهم متون شریعت.....
- ۱۴۸..... ۶- ۳. نتیجه گیری.....
- ۱۵۲..... فهرست منابع.....

فصل اول: کلیات

۱-۱. بیان مسأله

قرآن حقیقتی است بسیار ژرف و بی‌انتهای، و هر مسلک و مذهبی مطابق ذوق و سلیقه خود پرده‌ای از این حقیقت را آشکار می‌کند. فقیه، متکلم، فیلسوف هر کدام با پذیرش مبانی و ملاکات خاصی برداشتی خاص از قرآن ارائه می‌دهند. به نظر می‌رسد برخی از این روش‌ها و ملاک‌ها و مبانی صحیح نباشد. اما در این میان عارفان مسلمان - که اساس عرفان و معرفت خود را مدیون کتاب و سنت می‌دانند - دارای شیوه خاصی برای فهم متون دینی هستند که متمایز از روش مذاهب دیگر و در عین حال عمیق‌تر از آنهاست. اینان با استفاده از درهم تنیده بودن ظاهر و باطن و نقب زدن به لایه‌های درونی آیات مطالب نغز و نابی را عرضه کردند که کمتر مورد توجه محققان بوده است.

در میان خیل عظیم عرفان، و به علت گسترده بودن این بحث، بررسی دیدگاه اهل عرفان را منحصر به دیدگاه و روش مورد استفاده جناب صدرالدین قونوی کردیم. در این نوشتار درصدد یافتن روش و طریقه خاص ایشان در فهم قرآن و حدیث با عنایت به دو کتاب «اعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن» و کتاب «شرح الاربعین حدیثا» هستیم.

شایان ذکر است منظور از روش تفسیری، معنای عام از تفسیر یعنی تفسیر متون دینی است و لذا بحث‌های ایشان را هم در قرآن و هم در حدیث پی خواهیم گرفت.

۲- ۱. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

در طول تاریخ، همواره، عارفان مسلمان متهم به تأویل ناصحیح و برداشت‌های غیر قابل قبول از قرآن و حدیث بوده‌اند، این اتهام نسبت به عارفانی که دستی در عرفان نظری نیز داشتند به نحو شدیدتری مطرح بوده و هست. با فهم دقیق روش این بزرگان در فهم آیات و احادیث صحت یا کذب این اتهام روشن می‌شود.

از سوی دیگر، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند چراغی فراروی محققان در تفسیر قرار دهد؛ تا با روش خاص اهل عرفان در فهم متون دینی آشنا شده و علاوه بر درک گفته‌های آنان، راه آنان را در فهم دقیق متون شریعت پی بگیرند.

۳- ۱. سابقه پژوهش

در خصوص روش عارفان در تفسیر قرآن، کتاب‌ها و رساله‌هایی تدوین شده است؛ نظیر کتاب «روش‌های تأویل قرآن» و همچنین در مباحث مقدماتی برخی از تفاسیر، به این روش اشاره شده است؛ مثل جلد اول کتاب «تفسیر محیط اعظم» و همچنین در کتاب‌هایی که درباره روش‌های تفسیری قرآن تألیف شده مثل کتاب «التفسیر و المفسرون» یا کتاب «التمهید»، نکاتی ذکر شده است.

ولی با این حال در خصوص دیدگاه خاص جناب صدرالدین قونوی که یکی از برجسته‌ترین عارفان است، بحثی عنوان نشده است.

۴- ۱. سوال اصلی پژوهش

روش فهم و تفسیر جناب صدرالدین قونوی از قرآن و سنت چگونه است؟ منابع و ملاکات و ضوابطی را که در تفسیر و تأویل متون دینی به کار گرفته کدام است؟

۵- ۱. فرضیه‌های پژوهش

جناب صدرالدین قونوی با تبحری که در عرفان نظری دارد و از طرف دیگر صاحب کشف است، کلام الهی را آن‌گونه که بر او جلوه کرده و در وجودش پیاده شده، چشیده و گوشه‌ای از این معارف را در ذیل آیات و احادیث شریف بیان داشته است. به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی، فهم عارفان از شریعت و کلام الهی نظیر افرادی است که از طریق نفس به خدای تبارک و تعالی راه پیدا می‌کنند، همان طور که روح انسان دارای بطونی است، قرآن نیز بطونی دارد و هر چه انسان بتواند مسیر تهذیب نفس و سیر الی الله را طی کند، به همان میزان قرآن در جان او می‌نشیند. قونوی نیز بی نصیب از فیوضات و تجلیات الهی نبوده است تا جایی که ادعای آن دارد که به تجلی ذاتی رسیده است و فهم او از قرآن و حدیث نیز به همان میزان است. با توجه به نکات فوق فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

یک. فهم عارف بالله از قرآن، فهمی است مطابق با لایه‌های درونی و ژرف قرآن و این فهم هیچ‌گاه مخالف با روح قرآن نیست.

دو. روش عارف در فهم متون دینی، روش انفسی است بر خلاف روش دیگران که روش آفاقی است.

۶- ۱. سوالات فرعی پژوهش

معنای تفسیر و تاویل و تفاوت آن دو چیست؟ به طور کلی چه روش‌هایی برای فهم متون وجود دارد و در این میان چه مکاتبی از تاویل استفاده کرده‌اند؟ روش‌های فهم تاویل عرفانی چیست؟ مبانی هستی‌شناسی و زبان‌شناختی تاویل چیست؟ انواع تاویلی که جناب قونوی به کار گرفته کدام است؟ و ملاک تاویل صحیح نزد ایشان چیست؟

۷-۱. پیش فرض های پژوهش

تفسیرهای اهل عرفان دارای عمق خاصی است و نوعاً در اثر کشف و شهود و پیاده شدن حقیقت قرآن در جان آنها به دست آمده است. جناب صدرالدین نیز صاحب کشف است و توشه‌های فراوانی از این دریای بی انتها برگرفته است.

۸-۱. اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش یافتن روش فهم صدرالدین قونوی از متون شریعت و رسیدن به راه‌کارهای معقول و مورد پسند شرع و عقل در فهم آیات و احادیث است.

۹-۱. واژه شناسی

۹-۱-۱. واژه شناسی تفسیر

۹-۱-۱-۱. تفسیر در لغت

در کتب لغت، برای کلمه تفسیر دو ریشه ذکر شده است؛ بعضی آن را مشتق از «فسر» و بعضی مشتق از «سفر» گرفته‌اند. فسر به معنای جدا کردن، بیان، توضیح دادن و کشف و آشکار ساختن امر پنهان یا معنای معقول آمده است.^۱ کسانی که تفسیر را از «فسر» دانسته‌اند در معنای

^۱ - رک: رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ش. برای نمونه به برخی از این تعاریف اشاره می‌کنیم: «الفسر: البیان و بابه ضرب و التفسیر مثله. مختار الصحاح، ص ۲۴۵». «فسر کلمه واحده تدل علی بیان شیء و ایضاحه. مقایس اللغه». «الفسر البیان یقال فسرت الشیء من باب ضرب بیته و أوضحته. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۸ و مصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۲». «الفسر التفسیر و هو بیان و تفصیل للکتاب. العین، ج ۷، ص ۲۴۷، المحيط فی اللغه ج ۲، ص ۲۵۹». «فسر: ایضاح و تبیین. فسر الشیء بیته و أوضحه. تفسیر نیز بدان معنی است». «الفسر الابانه و کشف المغطی کالتفسیر...أو هو کشف المراد عن المشکل. القاموس المحيط، ج ۱، ص ۴۸۳». «الفسر البیان و قد فسرت الشیء أفسره فسراً و التفسیر مثله: الصحاح فی اللغه، ج ۲، ص ۷۸۱»؛ «فسر: ثعلب عن

تفسیر اختلاف دارند، بعضی آن را مرادف فسر و بعضی مبالغه آن دانستند. «سفر» نیز به معنای کشف است.^۱ بنابراین دو کلمه «فسر» و «سفر» علاوه بر حروف، به لحاظ معنی نیز مشابه یکدیگر می‌شوند. در این جا صرفاً به کلام راغب اصفهانی بسنده می‌کنیم. راغب تفسیر را مشتق از «فسر» دانسته و تفاوت این دو را در این می‌داند که «فسر» اظهار معنای معقول و «سفر» کشف غطاء و برداشتن پوشش از اعیان محسوس است.^۲

به عبارت دیگر تفاوت بین این دو واژه این است که اولی به معنای کشف غطاء از امور معقول و غیر حسی و مطالب علمی و معنوی است و دومی کشف غطاء از امور و اعیان حسی و خارجی. موارد استعمال کلمه «سفر» نیز این ادعا را اثبات می‌کند.^۳ با توجه به کلام راغب چند نکته به دست می‌آید:

نکته اول این که به صرف اظهار یک معنا، تفسیر اطلاق نمی‌شود بلکه آن معنا باید معنایی معقول و دور از حس و محسوسات و امری معنوی باشد.

نکته دوم در عبارت ایشان این است که فسر در باب «تفعیل» حالت مبالغه به خود می‌گیرد و تفسیر یعنی «به خوبی معنای معقول را آشکار کردن». وقتی بحث از تفسیر متن مطرح است بدین معناست که شخص به دنبال معنایی فراتر از ترجمه و مترادفات الفاظ متن باشد. ترجمه یک عبارت تفسیر تلقی نخواهد شد. هدف اصلی در ترجمه رسیدن به معانی ظاهری الفاظ در زبانی دیگر است.

ابن الاعرابی: الفسر: کشف ما غطی و قال اللیث: الفسر التفسیر و هو بیان و تفصیل للکتاب. تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۲۷۹. «و الفسر من قولهم: فسرت الحدیث أفسره فسراً، إذا بیّته و أوحضته؛ و فسرتَه تفسیراً کذلک. جمهرة اللغة» ابن درید، ج ۱، ص ۳۹۰.

^۱ - ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق. ج ۱، ص ۲۴.

^۲ . طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین. تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۴۳۸.

^۳ - راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان الداودی، دمشق، دارالعلم الشامیة، ۱۴۱۲ق. ذیل ماده فسر و سفر.

^۴ - ر. ک: رجبی، محمود، همان، ص ۷.

همچنین واضح کردن عبارات به واسطه کلمات مترادف در همان زبان، نیز تفسیر نخواهد بود. مفسر یک متن در واقع به دنبال سطحی برتر از مقام وضع الفاظ است و آن فهم مراد جدی متکلم است. به عبارت دیگر تفسیر در جایی مطرح است که نوعی ابهام و خفاء وجود داشته باشد. مفسر درصدد پرده برداری و کشف مقصود متکلم است و نیاز به تأنی و تأمل در متن دارد تا بتواند به آن معنی و مراد دست یابد.

حاصل مطالب فوق این است که تفسیر مبالغه فسر و فسر به معنای کشف معنای معقول است، لذا تفسیر به معنای به خوبی آشکار کردن مطالب علمی و معنوی و غیر محسوس است. فهم حقایق و معارف از کلام خداوند و رسول او نیز فهم حقایق علمی و معنوی و معقول است و به مجموعه چنین معارفی علم تفسیر قرآن و حدیث گویند.

۱-۲-۱-۹. تفسیر در قرآن

واژه تفسیر در قرآن تنها یک مرتبه ذکر شده است. خداوند در سوره فرقان بعد از بیان برخی از ایرادها و بهانه‌های کافران و پاسخ به آنها می‌فرماید: «ولا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحق و أحسن تفسیراً؛ مثالی برای تو نمی‌آورند مگر آن که حق را با توضیح بهتری به سوی تو آوردیم»^۱.

اغلب مفسرین کلمه «احسن تفسیراً» در این آیه را به معنای بهترین تفصیل، بیان، کشف و آنچه بر رد سخنان آنان گویاتر است معنا کرده‌اند و لذا تفسیر در آیه فوق به معنای بیان است.^۲

نکته دیگر در آیه فوق این است که معنای تفسیر بیان و کشف معنای معقول است. توضیح مطلب این که سخن کافران در آیات قبل در مورد انکار نبوت پیامبر اکرم ﷺ و استبعاد مسأله معاد است. خداوند در برابر سخنان آنان پاسخی می‌آورد که بهترین بیان برای کشف حقیقت نبوت و اثبات معاد است. این دو امر امری معقول و غیر حسی هستند و لذا تفسیر حق نیز کشف معنای معقول است.

^۱ - سوره الفرقان، ۲۳.

^۲ - رک: رجبی، محمود، ص ۱۰.

طبق آنچه در مباحث قبل گذشت، روشن می‌شود که معنای واژه تفسیر در قرآن همان معنای لغوی تفسیر یعنی کشف از معنای معقول و غیر حسی است.

۳- ۱- ۹- ۱. تفسیر در اصطلاح

تفسیر در اصطلاح عام به شرح و توضیح کتاب‌های علمی، ادبی و فلسفی اطلاق می‌شود. اما در اصطلاح خاص مفسران قرآن کریم و علوم عقلی بدین صورت است که: برخی از مفسرین تعریفی برای تفسیر ارائه نکرده و گویا آن را به وضوح معنای متبادر عرفی واگذاشته‌اند^۱ ولی در عین حال تعریف‌هایی از طرف برخی دیگر از مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی ارائه شده است. شیخ طوسی دامنه تفسیر را به حدی گسترش داده که شامل همه علوم قرآنی و علوم مرتبط با دین و شریعت می‌شود. وی هر آن چه را که باعث آشکار ساختن معنا و کشف مراد قرآن شود از جمله علم قرائت، معانی، اعراب، بحث از تشابهات و حتی پاسخ شبهات کافران و فرقه‌های منحرف مثل مجبره، مفوضه و مجسمه را تحت حیطة تفسیر دانسته است.^۲

تعاریف ذکر شده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. برخی تفسیر را به عنوان یک تلاش فکری در نظر گرفته و آن را تعریف کرده‌اند و برخی دیگر آن را به عنوان یک علم مد نظر قرار داده و تعریف کردند.

در جمع بین این دو دسته از تعریف باید بگوییم حاصل همه تلاش‌های مفسر در فهم قرآن و درک مراد خداوند از آن، مجموعه‌ای است از علوم تصویری و تصدیقی که می‌توان از آن به عنوان علم تفسیر نام برد..

در تعریف اصطلاحی تفسیر باید به چند نکته توجه کنیم؛

^۱ - رک: مرکز فرهنگ و علوم قرآنی، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۸۶؛ نجارزادگان، ففتح الله، تفسیر تطبیقی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱. و رجیبی، محمود، همان، ص ۱۲. در این سه کتاب به بیش از سی تعریف از قداماء و متأخرین از مفسران اشاره شده است.

^۲ - طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۲.

یک. تفسیر در اصطلاح مفسران علوم قرآنی به معنای کشف و پرده‌برداری از مقصود و مراد مؤلف است و زمانی فهم یک متن حاصل می‌شود که بتوان به مقاصد مؤلف و گوینده آن پی برد. در مقابل این دیدگاه، دیدگاهی است که می‌گوید بازگشت فهم یک متن به تحلیل عناصر روان شناختی مؤلف است. اینان بر آن هستند که برای فهم یک متن بایستی علل روانی و انگیزه‌هایی که موجب شده چنین کلامی از او صادر شود، پی برد. نظریه سوم این است فهم یک متن به معنای دست‌یابی به فضای فکری مؤلف نسبت به موضوع و تلاقی افق نگاه خواننده با آن است. آنچه در این رساله مد نظر است دیدگاه اول نسبت به فهم متن است.

دو. در یک متن باید خفاء و پوشیدگی باشد تا تفسیر آن معنا داشته باشد. لذا متن‌هایی که ابهام ندارد هیچ‌گاه تعبیر تفسیر در مورد آنها به کار نمی‌رود. از همین روست که معمولا اشعار عرفانی، کتب عرفانی یا فلسفی و حکمی مورد شرح و تفسیر واقع می‌شوند.

سه. در بحث الفاظ اعم از کلمه‌ها و جملات و اعم از مواد و هیئات سه مقام وجود دارد؛ مقام وضع، مقام استعمال و مقام اراده. بنابر حجیت و اصالت ظهور بین این سه مقام ملازمه‌ای وجود ندارد. لذا ممکن است مستعمل فیه غیر موضوع له و مراد جدی غیر از هر دو باشد. مقصود و مراد متکلم از کلام دایر مدار داعی است. گاهی این داعی واحد است و گاهی متعدد. به حسب تعدد داعی، ظهورات کلام نیز متعدد می‌شود و چه بسا ظهور کلام دقیقا مخالف با موضوع له الفاظ باشد. دانستن معانی لغوی الفاظ قرآن تفسیر نیست، ولی می‌تواند مفسر را در فهم مراد و مقصود خداوند تبارک و تعالی یاری کند. قصد مترجم بیان مراد متکلم نیست بلکه برگرداندن یک لفظ است به لفظی معادل آن در زبانی دیگر.

چهار. قرآن دارای دو جنبه است؛ از یک طرف کلام غیبی است. از طرف دیگر به زبان محاوره‌ای و عرف عام آمده است. از یک جهت به غیب متصل است و از جهت دیگر به ظاهر و این مطلب در مورد تمام آیات قرآن حتی آیات الاحکام مطرح است. لذا در پس هر آیه وجهه باطنی نیز مطرح است که یقینا مخفی است. در این که تفسیر در کدام حیطة مطرح است اختلافاتی وجود دارد.

آنچه مسلم است تفسیر در حیطة ظاهر الفاظ برای درک مراد خدای متعال راه دارد. و معنای مشهور از تفسیر نیز همین است.^۱ منتهی برخی از واژه تفسیر برای کشف معانی باطنی قرآن نیز استفاده کردند و تفسیر را به دو قسم تفسیر ظاهر قرآن و تفسیر باطن تقسیم کرده‌اند.^۲ برخی تفسیر باطن را تاویل دانسته‌اند. راغب اصفهانی تاویل را نیز نوعی تفسیر می‌داند و این با معنای لغوی تفسیر نیز سازگار است، زیرا در تاویل نیز نوعی پرده برداری و کشف غطاء است. در پایان این فصل به این موضوع برمی‌گردیم.

پس اصل در تفسیر، کشف مقاصد و مرادات خداوند تبارک و تعالی از ظاهر الفاظ است. مفسر باید به عنوان مقدمه‌ی تفسیر، حائز علومی از جمله علم به مفردات قرآن، علم به اصول و قواعد ادبیات اعم از صرف، نحو و معانی و بیان، علم به اصول محاوره عقلایی و شأن نزول آیات باشد. این امور هیچ یک جزء تفسیر نیستند.

البته شناخت معنای الفاظی که در قرآن به عنوان اصطلاح خاص قرآنی مطرح است، جزء تفسیر قرآن محسوب می‌شود. لذا به نظر می‌رسد از بین تعاریف ارائه شده برای معنای اصطلاحی تفسیر، تعریف علامه طباطبایی بهترین باشد که می‌فرمایند: «التفسیر هو بیان معانی الآیات القرآنیة و الکشف عن مقاصدها و مدالیها»^۳ تفسیر بیان معانی آیات قرآن و کشف از مقاصد و مدلولات کلام حق تعالی است. منظور از معانی آیات معنایی است که مراد خداوند است و الا صرف دانستن معنای لغوی الفاظ قرآن مقدمه تفسیر است نه خود تفسیر.

^۱ - سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید مندوب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق. ج ۱، ص ۴۳۵: «تفسیر کشف مدلول ظاهری و تاویل مدلول غیرظاهری و نامعهود است که دارای قرینه‌ای محکم است.»

^۲ - معرفت، محمدهادی، روش تفسیر باطن قرآن، پژوهش‌نامه حدیث و قرآن، شماره ۲، ص ۵۵.

^۳ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴.